

# اصلاح و اصلاح‌گری در حوزه علمیه قم

## مقدمه

حوزه‌های علمیه، اصلی‌ترین نهاد آموزش، تربیت و سازمان‌دهی صاحب‌نظران و مبلغان اسلامی در سطوح مختلف است که پیشینه‌ای دراز و به منزله یک سازمان اجتماعی دارای اهداف، ساختار، سازوکار و نقش و کارکرد درونی خاصی بوده است. از سوی دیگر شناخت دین و عمل کردن به دستورات دین، مستلزم ایجاد نهاد تعلیمی و تربیتی در این حوزه است. در میان ادیان و مذاهب گوناگون جهان، همواره نهادهایی به امر آموزش دین پرداخته‌اند چنان‌که در مکتب جعفری، حوزه‌های علمیه شیعه توسط عالمان دینی و روحانیت اداره می‌شوند. حوزه علمیه شیعه از ابتدای ظهور اسلام به گونه‌های مختلفی دایر بوده است؛ بویژه در زمان



علی شیرخانی \* حسین شیرخانی \*

این واقعیت را پیش روی مراجع تقلید و عالمان و فاضلان حوزه، نهاد که آیا با ساختار موجود حوزه‌های علمیه می‌توان پاسخگوی نیازهای شیعیان و غیرشیعیان در اقصی نقاط جهان بود؟!

در مجموع می‌توان گفت که عوامل متعددی در تحولات سده اخیر حوزه‌های علمیه شیعی نقش داشته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ورود فعال حوزه‌ها به صحنه‌های جدید سیاسی و اجتماعی مانند جنبش تنباکو و جنبش مشروطیت، افزایش آگاهی نسبت به تمدن غرب، گسترش مراوده با علمای اهل سنت، رویارویی با برخی اقدامات رژیم گذشته مانند آزمون‌گیری از طلاب و تأسیس دانشکده الهیات و مؤسسه وعظ و خطابه به عنوان رقیب دولتی حوزه‌ها، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل حکومت اسلامی و پیدایش پرسش‌ها و نیازهایی که پاسخی مناسب از سوی حوزه‌ها می‌طلبد. (دائرةالمعارف آموزش عالی، ۱۳۸۳، ص ۳۷۴)

در یک سده‌ی اخیر حوزه علمیه قم در مواجهه با جهان متحول پیرامون خویش، کوشیده است تا متناسب با شرایط متغیر زمانه، روند اصلاحات در حوزه را پی گیرد. ضرورت اصلاح و تحول در حوزه‌های علمیه ضمن حفظ و تقویت آن، از دغدغه‌های اکثر قریب به اتفاق اندیشمندان حوزوی در دهه‌ها و بلکه سده

**امامت امام باقر و امام صادق (ع) رونق بیشتری پیدا کرد اگرچه تأسیس رسمی حوزه به دست شیخ الطایفه، طوسی در نجف بوده و سپس در شهرها و بلاد گوناگون بوجود آمده است. شهر قم نیز یکی از شهرهای مهم مکتب جعفری بوده و حوزه آن، شاهد فراز و فرودهایی در زمان فعالیت خود بوده است.**

تدریس و تدریس علوم دینی در میان مسلمین از مکتب خانه‌ها آغاز شد و در نهایت منجر به تأسیس حوزه‌ها گردید و پس از آن نهاد مرجعیت سامان گرفت. این نهاد پس از شیخ مرتضی انصاری، و تداوم آن در عصر عالمان بزرگی چون میرزای شیرازی، ابوالحسن اصفهانی، بروجردی، حکیم و ... جایگاه مراجع را به عنوان متولیان اصلی حوزه‌های علمیه برجسته ساخت. در حالی که علوم گوناگونی در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شد، اما عمده تلاش آنان در حوزه فهم دین با توجه به منابع اصیل صورت می‌گرفت. با پدیداری نهادهای آموزشی جدید، تقسیم علوم، بر علوم جدید و قدیم امری اجتناب ناپذیر گردید. شکل‌گیری نهادهای آموزشی مدرن در جوامع شیعه و بسیاری از دیگر تحولات جهانی در حوزه آموزش و زیست اجتماعی و ساختاری، چالش‌هایی فراروی حوزه‌های علمیه قرار داد. روند پیشرفت جوامع به مدد علوم جدید، بسیار سریع و شگفت‌انگیز بود و پرسش‌ها و چالش‌های اساسی فرا روی عالمان دین قرار داد و

خیر بوده است. این اعتقاد برآمده از درک کاستی‌هایی در ابعاد مختلف حوزه بوده است. برخی کاستی‌ها از منظر حوزویان را می‌توان چنین برشمرد: عدم تحول در محتوای آموزش متناسب با نیازهای جدید، عقب‌ماندن از

زمان، گسترش نیافتن فقه به زمینه‌های نوظهور، ناکارآمدی شیوه‌های تدریس و تحصیل، قدمت متون آموزشی و ناپیراستگی آنها، عدم تناسب شیوه‌های تبلیغ متناسب با شرایط جدید، نبود روالی مشخص برای گزینش استاد و آموزش روش تدریس به آنها، عدم توزیع مناسب طلاب در حوزه‌ها و تمرکز در حوزه‌های بزرگ. (همان)

پرسش‌ها، چالش‌ها و کاستی‌های این چنین، انگیزه و زمینه‌هایی را فراهم کرد تا متولیان حوزه‌ها، در اندیشه اصلاح در ساختارها و روش‌های موجود در درون حوزه‌های علیمه به سر برند.

### ● مبانی اصلاحگری

اصلاح و اصلاحگری لازم است مبتنی بر پایه و اصولی باشد که بر اساس همان اصول و مبانی، اقدام به اصلاح سازمان و نهاد کرد. حوزه‌های علمیه نیز به مثابه یک سازمان برای اصلاح درون سازمانی، لازم است دارای مبادی و مبانی باشد،

● حوزه‌های علمیه نیز به مثابه یک سازمان برای اصلاح درون سازمانی، لازم است دارای مبادی و مبانی باشد، چراکه بدون آن، احتمال کجروی در پایش و پوییش سازمان وجود دارد.

چرا که بدون آن، احتمال کجروی در پایش و پوییش سازمان وجود دارد. اصلاحات در حوزه، پیش از انقلاب اسلامی، تمرکز حوزه بر توان پاسخگویی به شبهات و پرسش‌های روشنفکران، معاندان و ملحدان دین بود

● تا به عنوان متولیان دین، به پرسش‌های نوظهور پاسخ دهند. پس از انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت مبتنی بر دین، مبانی اصلاح در حوزه نسبت به پیش از انقلاب اسلامی، دگرگون شد. بدین معنا که علاوه بر پاسخ به شبهات متعدد و روزافزون، باید مبانی فکری حکومت دینی را نیز تولید کند و ضمن پاسخ به پرسش‌های برآمده از تشکیل حکومت اسلامی، برای ارائه الگوی بدیل انواع دیگر حکومت‌ها تلاش کند.

امام خمینی علیه السلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مرجع بزرگ شیعیان، برای اصلاح در حوزه بر دو اصل تأکید داشتند: ۱. دگرگونی فکری

پیش از انقلاب این ایده مطرح بود که مهم‌ترین رسالت حوزه، ترویج دین در جامعه بود و تمام تلاش حوزه صرف دوری از سیاست می‌گشت. اما امام خمینی علیه السلام به عنوان مرجع تقلید، زعیم حوزه و رهبر انقلاب، بر عدم انفکاک سیاست و دیانت تأکید می‌کرد و از حوزویان که متولیان

که هر کس کج راه می‌رفت متدین‌تر بود. یادگرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک بشمار می‌رفت.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۷۸)

از نظر امام خمینی علیه السلام، برخی از مقدس‌نماها نیز همگام با استعمارگران، القاکننده تفکر جدایی دین و سیاست هستند، لذا در نظر ایشان اصلاح حوزه نباید به دست چنین افرادی بیافتد، چرا که مقدس‌نماها و متحجران همواره با هر نوع تحول و اصلاح مخالف هستند و چوب لای چرخ اصلاحات گذاشته، مصلحان را خون به دل می‌کرده‌اند: «عده‌ای مقدس‌نمای واپسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است.» (همان)

ایشان پس از انقلاب اسلامی نیز بر این باور بود که امروزه هم کسانی هستند که پا جای پای سلف خود گذاشته با هر اصلاحی مخالفت می‌نمایند و خطرشان همچنان باقی است: «خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم

دین در جامعه بودند، انتظار داشت تا در حل مسائل جامعه از منظر امتزاج دین و سیاست بنگرند. این نوع نگرش نیازمند دگرگونی فکری حوزویان بود. ایشان، تفکر جدایی دین از سیاست را، القای دشمن و از توطئه‌های استکبار می‌دانست که متأسفانه در حوزه این تفکر کارگر شده است. ایشان در این زمینه تأکید دارد که: «اولین و مهم‌ترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت و ابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد... وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از

این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش ببارد و الّا عالم سیّاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود

ایشان پس از انقلاب اسلامی نیز بر این باور بود که امروزه هم کسانی هستند که پا جای پای سلف خود گذاشته با هر اصلاحی مخالفت می‌نمایند و خطرشان همچنان باقی است: «خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این ماره‌های خوش خط و خال کوتاهی نکنند.

نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول‌الله.» (همان)

## ۲. اجتهاد جواهری

فعالیت اصلی حوزه‌های علمیه، مبتنی بر اجتهاد و استنباط از متون اصیل اسلامی یعنی کتاب و سنت است. یکی از اصول و مبانی اصلی در تحول و اصلاح در حوزه، توجه اجتهاد علمای سلف و به تعبیری، اجتهاد جواهری هست. اجتهاد جواهری که از کتاب جواهرالکلام اقتباس شده است و تأکید برزگان حوزه بر آن و سفارش اکید امام به این نوع اجتهاد به خاطر آن است که این کتاب شرح شرایع الاسلام محقق‌حلی است که صدها سال متن درسی بوده و از جهت نظم و ترتیب و ایجاز کم‌نظیر است و از حیث دقت و اشمال بر فروع فقهی و شیوه طرح مسائل و اتقان و استحکام کم‌مانند است. آن‌گاه صاحب‌جواهر چنین کتابی را شرح کرده است. در یک جمله هیچ فقیهی از آن بی‌نیاز نیست چون در واقع دائره‌المعارف فقه شیعه است و فروع کمیاب و نادر فقهی که چه‌بسا در سایر کتب فقهی یافت نمی‌شود، در آن مورد اشاره قرار گرفته است.

بنابراین می‌توان ادعا که یکی از دستاوردهای هزار ساله حوزه‌های علمیه، اجتهاد بوده و با توجه به تحولات جوامع،

تطبیق احکام اسلامی با نیازهای زمانه نیز از اولویت‌های اجتهاد بوده است که در عین حال، متکی بر منابع اصیل و شیوه شناخته‌شده فقه‌های سلف می‌باشد. به اعتقاد امام خمینی علیه السلام که یکی اصلاح‌گران قرن گذشته در جامعه و حوزه بوده، تأکید داشت که در روند اصلاحی حوزه نباید به این اصل اصیل خدشه وارد شده، به بهانه پویایی و روزآمد کردن فقه، شیوه گذشتگان متروک گردد؛ اگر چه فقه شیعه در عین حال پویا نیز می‌باشد: «در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول، که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد.» (همان، ج ۲۱، ص ۲۸۹)

## ● آغاز اصلاحگری

نخستین دور تلاش‌ها برای اصلاح

گامی در جهت اصلاح جامعه است.

این جمعیت با گردآوردن مشاوران و متخصصان توانست شاخه‌های متعددی تشکیل دهد و با تأسیس دانشکده‌های فقه و تبلیغ، و ساخت مدارس علمیه و تدوین کتاب‌های درسی برای آن‌ها، دگرگونی بزرگی را در نظام حوزه نجف پدید آورد (ر.ک: ابوالحسینی، رحیم (۱۳۸۴)، «پیشگامان تقریب: شیخ محمدرضا مظفر» اصلاح‌گر حوزه‌ها»، اندیشه تقریب، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۴، ص ۱۲۹-۱۱۵).

مسئله تحول‌خواهی

و تحول‌گری در حوزه نجف و در زمان مرجعیت آیت‌الله حکیم نیز ادامه داشت و شاگردان ایشان و در راس آن شهید محمداقصر صدر، خواستار اصلاح و تحول در حوزه بودند و حتی ایشان در دروس تخصصی مثل اقتصاد و فلسفه در مقابل مکاتب لیبرالی و مارکسیستی وارد شد و با نگارش اقتصادنا و فلسفتنا، در این مسیر گام نهاد.

تحول‌ساختاری در حوزه علمیه قم، هم‌زمان با حضور آیت‌الله حائری پی گرفته شد. اما بیش و پیش از آن، تحولات

در دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی دغدغه اصلاح و تحول حوزه با جدیت بیشتری دنبال شد. ایشان طی دوران مرجعیت عامه ۱۵ ساله خود، مجموعه اقدامات زیادی را برای سامان دادن به وضعیت حوزه علمیه صورت داد. سامان دادن به وضعیت وعظ و تبلیغ دینی، فعال کردن حوزه‌های علمیه محلی و مراکز دینی در مناطق مختلف ایران و جهان، جدیت برای تنظیم، تصحیح و نشر آثار فقهی شیعه، تشکیل نهادهای اداری نظیر هیئت رسیدگی برای بررسی تخلفات طلاب و حوزویان و شماری اقدامات دیگر که در کارنامه آیت‌الله بروجردی برای اصلاح ساختار حوزه ثبت شده است.

ساختار حوزه در دوران مرجعیت آیت‌الله ابوالحسن اصفهانی آغاز شد. محرک اولیه این نوع از تلاش‌ها، وضعیت نابسامان آموزشی حوزه نجف بود. در این دوران، شماری از مدرسان برجسته حوزه نجف، طرحی برای اصلاح حوزه به آیت‌الله اصفهانی ارائه می‌دهند، اما پس از مدتی محمدرضا مظفر با حمایت آیت‌الله اصفهانی دست به تأسیس جمعیت «منتدی‌النشر» می‌زند که هدف آن اصلاح نظام آموزشی و تبلیغی حوزه نجف بود. ایشان درباره این جمعیت می‌نویسد:

جمعیت منتدی‌النشر، نهادی بود که در سال ۱۳۵۳ قمری به منظور نشر فرهنگ اسلامی و ایجاد روحیه اسلامی در میان طبقات جامعه تأسیس شد. (اصول‌الفقه، شیخ محمدرضا مظفر، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين بقم المقدسة، بی تا، ج ۱، ص ۴۴)، این مرکز برای رسیدن به اهداف خود، کتابخانه و دانشکده و مدارس را تأسیس کرد که در آن دروس جدید با گرایش ترویج فرهنگ دینی آموزش داده می‌شد و مرحوم مظفر معتقد بود برنامه‌های اصلاحی این نهاد



نظیر هیئت رسیدگی برای بررسی تخلفات طلاب و حوزویان و شماری اقدامات دیگر که در کارنامه آیت‌الله بروجردی برای اصلاح ساختار حوزه ثبت شده است.

در دهه بیست شمس‌ی امام خمینی رحمته که از شاگردان برجسته آیات عظام حائری و بروجردی بشمار می‌رفت، در مقابله با تلاش حاکمان و روشنفکران وابسته به حکومت، در کتاب کشف اسرار، به موضوع اصلاحات در سازمان روحانیت پرداخته و تصریح می‌کند:

کسی می‌تواند دست اصلاح، به این دستگاه دراز کند که چند شرط زیر را داشته باشد:

۱. تخصص در علوم روحانیه که سخن‌های او کورکورانه و از روی جهالت نباشد.

۲. علاقه‌مندی به دیانت و روحانیت و عقیده به اینکه روحانیت در کشور لازم است.

۳. پاک‌بودن نیت او که دست درازیش برای نفع طلبی نباشد.

۴. عقل تدبیر و تمیز صلاح و فساد تا کارهایش از روی نقشه‌های خردمند باشد.

۵. نفوذ روحانی که نقشه‌های خود را بتواند عملی کند.

امام خمینی در ادامه ویژگی‌ها می‌افزاید: «این شرایط اگر پیدا شود فقط در روحانیین درجه اول پیدا می‌شود، دیگران به کلی از این حساب خارج‌اند.

سیاسی در کشور، سایه سنگین خود را بر حوزه گستراند. تأسیس حوزه علمیه در سال ۱۳۰۱ در دوران اقتدار رضاخان، اگرچه در ابتدا با واکنش حاکمان جدید روبرو نگشت اما کم‌کم گسترش حوزه و برجسته‌شدن جایگاه آن در جامعه دینی ایران و مواجهه برخی عالمان دینی با کردارهای غیردینی حکومت، حساسیت‌هایی را علیه حوزه علمیه برانگیخت. بدین ترتیب کارگزاران حکومت رضاشاه به فکر اصلاح حوزه از خارج آن و مداخله در امور حوزه افتادند؛

تا از این طریق حوزه و روحانیت را به کنترل خود درآورند. آنان به بهانه قانون متحدالشکل کردن البسه و استثناء کردن روحانیون از این قانون، مشروط به شرکت در آزمون‌های دولتی بنای مداخله در حوزه را گذاشتند. در چنین وضعیتی، آیت‌الله حائری تمام هم خود را صرف بی‌اثر کردن سیاست‌های مداخله‌جویانه حکومت کرد.

در دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی دغدغه اصلاح و تحول حوزه با جدیت بیشتری دنبال شد. ایشان طی دوران مرجعیت عامه ۱۵ ساله خود، مجموعه اقدامات زیادی را برای سامان‌دادن به وضعیت حوزه علمیه صورت داد. سامان‌دادن به وضعیت و عطف و تبلیغ دینی، فعال کردن حوزه‌های علمیه محلی و مراکز دینی در مناطق مختلف ایران و جهان، جدیت برای تنظیم، تصحیح و نشر آثار فقهی شیعه، تشکیل نهادهای اداری

(کشف اسرار، ص ۲۵۵)

## ● تأکید امام خمینی علیه السلام بر اصلاح حوزه از درون

اصلاح از درون یکی از دغدغه‌های اساسی زعمای حوزه بوده و آنان همواره بر این امر تأکید داشته‌اند. امام خمینی علیه السلام پیش از انقلاب اسلامی با مردود دانستن دخالت هر نیروی خارج حوزه در امور حوزه، معتقد بود اصلاحات در حوزه اگر چه لازم است اما باید به دست خود حوزویان صورت گیرد:

در حوزه‌های علمیه نظم و انضباط برقرار سازید؛ نگذارید دیگران بیایند حوزه‌ها را منظم کنند؛ اجازه ندهید دشمنان، به بهانه اینکه اینان لایق نیستند، کاری از آنان ساخته نیست و مشتی بیکاره در حوزه‌ها گرد آمده‌اند، به حوزه‌های علمیه دست بیندازند، و به اسم نظم و اصلاحات، حوزه‌ها را فاسد سازند، و شما را تحت سلطه خود درآورند. بهانه دست آنان ندهید. اگر شما منظم و مہذب شوید، همه جهات شما تحت نظم و ترتیب باشد، دیگران به شما طمع نمی‌کنند؛ راه ندارند که در

حوزه‌های علمیه و جامعه روحانیت نفوذ کنند. (جهاد اکبر، ص ۶۰ و ۶۱)

پس از تاسیس نظام جمهوری اسلامی و افزایش روزافزون نقش حکومت در برنامه‌ریزی و مدیریت برای حوزه (با تاسیس نهادهایی چون شورای مدیریت حوزه علمیه قم و شورای عالی مدیریت) و به ویژه در سال‌های اخیر، گام‌های بزرگی برای تغییر و تحول در ساختار سنتی حوزه، تحت عنوان «اصلاح ساختار حوزه» برداشته شده است. (ر.ک: علی شیرخانی، تحولات حوزه علمیه قم پس از انقلاب

اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی) با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و با زعامت و رهبری امام و بدست گرفتن حکومت، ایشان با تأکید بر اصلاح از درون، معتقد بود که اصلاح حوزه فقط از طریق «مدرسین محترم و افاضل سابقه‌دار» که مورد تأیید «مراجع وقت» نیز باشند (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۵)، میسر خواهد بود. در جای دیگری خطاب به روحانیت و حوزه‌ها می‌گوید: «چه باب تعلیم و تعلم که باید باز تصفیه بشود و به دست بزرگان ما اداره و تصحیح بشود، و چه

تنها کافی بود یک طلبه علوم حوزوی، دانش‌های مورد نظر را خوب فراگیرد و ثبوتاً دارای مقام علمی گردد. سپس چنین فردی با دارا بودن شاگردان و پیروان، اثباتاً مورد تأیید قرار می‌گرفت و نیازی به عناوین علمی دانشگاهی نبود. قرن‌ها این روش در حوزه‌های علمیه رایج بود، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت حوزه‌ها مبتنی بر برنامه‌ریزی دقیق جهت تعلیم و تربیت نیروهای کارآمد و با صلاحیت، در پی تحقق اهداف مشخص و در راستای اهداف انقلاب اسلامی تعریف گردید.



مشورت کنید و از آنها نظر بخواهید و من هم به شما دعا کنم.» (همان، ج ۲۰، ص ۱۹۰)

### ● موضوعات اصلاح در دوره اخیر

درحوزه‌های علمیه، شیوه تدریس و تدریس بدین شکل بوده است که عالمان دین در سه عرضه ذیل، بر اساس متون دینی پاسخگو باشند:

**(الف)** پاسخگویی ماهر و متناسب با نیازهای متنوع جوامع اسلامی در عصر حاضر باشد، و بتواند به مسایل جامعه براساس متون دینی پاسخ‌های مناسب دهد؛

**(ب)** تناسب با هم‌اوردی با رقبای دینی، فرهنگی و سیاسی و اجتماعی اسلام، گزاره‌های علمی و عملی ارائه کند.

**(ج)** در صورت تشکیل حکومت، متناسب با نیازهای علمی و عملی حکومت اسلامی، قواعد و قوانین علمی را اجتهاد و آنها را عملیاتی بنماید.

برای تحقق عرصه‌های فوق در حوزه علمیه قم، پس از انقلاب اسلامی، اقداماتی صورت گرفته است که شامل برنامه ریزی بلند مدت، تخصصی شدن علوم اسلامی و اصلاح کتب درسی، می‌شود:

#### ۱. برنامه‌ریزی بلندمدت

حوزه‌های علمیه از بدو پیدایش خود، مبتنی بر پذیرش نظم طبیعی و عرفی، بوده است. بدین معنا که فردی به

در کیفیت تحصیل که باید تجدید نظر بشود. ما به همه آقایان- با کمال خضوع- عرض می‌کنیم که شمایی که باید ارشاد کنید این ملت را، باید مجهز بشوید؛ باید مجهز به جمیع انحای ارشادات. مردم از شما توقع جمیع انحای ارشادات را دارند.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۰۰) یا در جمع روحانیون و طلاب اشاره می‌کنند: «خود علمای حوزه‌ها برنامه‌ها را تنظیم کنند.» (همان، ج ۱۲، ص ۳۴۱)

اواخر سال ۵۹، اساتیدی از حوزه علمیه قم که دغدغه اصلاح و لزوم ایجاد نظم و رسیدگی به اوضاع درسی و اخلاقی و جریان‌های داخلی حوزه را داشتند، در صدد تشکیل شورای مدیریت برمی‌آیند و از امام درخواست رهنمود و نظرخواهی می‌کنند؛ ایشان پاسخ می‌دهد: «شورای مزبور کارهایی را که می‌خواهند انجام دهند، پس از نظرخواهی در امور مهمه از حضرت آیت‌الله گلپایگانی- دامت برکاته- مانعی ندارد. ان شاءالله موفق باشید.» (همان، ج ۱۴، ص ۱۶۰) ایشان به جای احاله موضوع به نهادهای بیرون حوزه، اعتقاد داشتند این کار باید توسط خود حوزه و خود علماء انجام بگیرد.

سال‌ها پس از تشکیل شورای مدیریت حوزه علمیه، اعضای شورا، خدمت امام می‌رسند. ایشان در توصیه‌ای می‌گوید: «من چنانچه سابقاً نیز گفته‌ام، ... شما همیشه با حضرات مراجع و سایر بزرگان

حوزه را بر عهده دارد و از لحاظ ساختار و تشکیلات، همچنان رو به گسترش است.

(ر.ک، شیرخانی، پیشین)

## ۲. ایجاد رشته‌های تخصصی

یکی از مسائل علوم، صعودی بودن و یا حلقوی بودن آن است. بدین معنا که اگر باور به صعودی بودن آن داشته باشیم و روند تطور علم را رو به کمال بدانیم، در این صورت علم کماً و کیفاً، رشد و ترقی خواهد کرد و همین بلوغ و ترقی، لزوم تخصصی شدن علوم را می‌طلبد؛ چرا که با افزایش عرصه، دامنه، موضوعات و مسائل علم، یک فرد توان دریافت همه آنها را نخواهد داشت و ضرورتاً به ایجاد رشته‌ها، گرایش‌ها و میان رشته‌ها می‌انجامد. از سوی دیگر مدعیان صعودی بودن تطورات علم، تأکید دارند که پیشرفت و گستردگی فراوان علوم، لزوم پرداختن عمیق هر فرد به یک رشته علمی را به دنبال خواهد داشت. البته ایرادی که بر این نوع تفکر ممکن است وارد شود این است که آشنائی عمومی با ابعاد گوناگون دین بر عالم دینی فرض است. برای رفع این ایراد گفته شده است جامعیت عمومی و نسبی را با تخصص در رشته‌ای می‌توان جمع کرد؛ زیرا از یک سو جامعیت مطلق با توجه به گستردگی و وسعت علوم اسلامی ممکن نیست و از سوی دیگر تخصص محض در یک رشته از علوم اسلامی بدون اطلاع از دیگر ابعاد

عنوان طلبه وارد حوزه علمیه می‌شد و با انتخاب استاد مناسب، در نزد وی تلمذ می‌کرد. کتاب مناسب‌تر، استاد قوی‌تر، از عوامل اصلی تلمذ در حوزه بود و نیاز به تمهید مقدمات و چیدن اسباب اداری و داشتن برنامه‌ریزی نبود. چه بسا طلبه‌ای از ابتدای مقدمات عربی تا سطوح عالی‌ه دروس حوزوی، نزد یک استاد، شاگردی می‌کرد و از آنجا که مدرک رسمی در حوزه به افراد اعطا نمی‌شد تنها کافی بود یک طلبه علوم حوزوی، دانش‌های مورد نظر را خوب فراگیرد و ثبوتاً دارای مقام علمی گردد. سپس چنین فردی با دارا بودن شاگردان و پیروان، اثباتاً مورد تایید قرار می‌گرفت و نیازی به عناوین علمی دانشگاهی نبود. قرن‌ها این روش در حوزه‌های علمیه رایج بود، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت حوزه‌ها مبتنی بر برنامه‌ریزی دقیق و جهت‌تعلیم و تربیت نیروهای کارآمد و با صلاحیت، در پی تحقق اهداف مشخص و در راستای اهداف انقلاب اسلامی تعریف گردید. بنابراین ابتدای انقلاب اسلامی، شورای مدیریت حوزه علمیه قم و سپس شورای عالی حوزه‌های علمیه و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و مرکز خدمات حوزه‌های علمیه، با نظام اداری گسترده، جهت برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، پا به عرصه وجود نهاد و هم اکنون این نوع مدیریت، اداره

و تحول بوده است و در برخی موارد بخاطر هیمنه مؤلف، کسی جرأت اظهار نظر درباره تغییر آن منابع را به خود نمی‌داد. در میان طلاب درباره کتب رسائل، مکاسب و کفایه این عبارت معروف هست که:

رسائل، مکاسب و کفایه لیس لها  
النهایه

تمام طلاب و اساتید حوزه می‌دانند که سه کتاب فوق، کتاب درسی نیستند و شیخ انصاری و آخوند خراسانی نیز، این کتب را به عنوان کتب درسی ننوشته‌اند، چرا که یک کتاب درسی:

**اولاً:** باید دارای تقسیم‌بندی مناسب علمی باشد؛

**ثانیاً:** در پایان هر فصل نتیجه و خلاصه موجزی از مباحث فصل را ارائه داده، تمرین‌ها و پرسش‌های مربوطه بیاید؛

**ثالثاً:** با کتاب قبل و بعد درسی همان عنوان و گرایش تناسب داشته باشد؛

**رابعاً:** دقت و موشکافی‌ها و سطح علمی آنها هماهنگ و متناسب با اهداف عام آن حوزه علمی و مراحل تحصیلی مختلف آن باشد؛

**خامساً:** حاوی آخرین و جدیدترین دستاوردهای علمی آن رشته باشد.

با توجه به موارد فوق می‌توان ادعا کرد بعضی از کتب درسی رایج در حوزه‌ها، کتاب مرجع هستند نه کتاب درسی.

ویژگی دیگر کتب درسی رایج در حوزه، غامض‌نویسی است و دانش پژوه باید کلی

آن علوم، به داشتن اطلاع کافی حتی در همان رشته تخصصی می‌انجامد. بر مبنای تخصصی‌شدن علوم، در دوره اخیر، طرح تحصیل حوزوی به سه بخش تقسیم شد: مرحله مقدماتی، مرحله عمومی، مرحله تخصصی.

مرحله تخصصی در مدارس و مؤسسات و در قالب رشته‌های تخصصی دایر می‌گردد و بر اساس برنامه و طول زمان تحصیل، با امتحان ورودی، امتحانات مقطعی و نهایی اداره خواهند شد. هر مدرسه تخصصی زیر نظر یک هیأت علمی انجام وظیفه می‌کند تا بدین‌گونه طلاب مسلط به علوم اسلامی با توجه به نیازهای زمان خود تربیت شوند. (ر.ک: شیرخانی، پیشین)

### ۳. اصلاح کتاب‌های درسی

در مراکز آموزشی، کتب درسی برای آموزش به دانش‌آموزان، دانشجویان و دانش پژوهان، تألیف و تدوین می‌گردد و از آنجا که در این مراکز، کتب و منابع درسی برای رفع نیازها و مشکلات جوامع، تدوین و آموزش داده می‌شود، به تبع تغییرات بنیادین در جوامع، کتب درسی نیز تغییر پیدا می‌کند و متولیان مراکز آموزشی بر اساس نیازهای زمانه، اقدام به تألیف منابع درسی جدید می‌نمایند (همان)

این مسئله در حوزه‌های علمیه با مراکز دیگر متفاوت بوده و کتب درسی تا پیش از انقلاب اسلامی کمتر دستخوش تغییر

\* علی شیرخانی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد قم)  
\* حسین شیرخانی (پژوهشگر و نویسنده)

### منابع:

ابوالحسینی، رحیم (۱۳۸۴)، «پیشگامان تقریب: شیخ محمدرضا مظفر» اصلاح‌گر حوزه‌ها»، اندیشه تقریب، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۴.  
امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۵، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.  
امام خمینی؛ کشف اسرار؛ ۱۳۲۳، تهران، کتابفروشی علیمه اسلامی.  
جمعی از نویسندگان زیر نظر نادرقلی قورچیان، دایره‌المعارف آموزش عالی، ۱۳۸۳، تهران، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.  
علی شیرخانی و عباس زارع، تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.  
مظفر، شیخ محمدرضا، اصول الفقه، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، بی‌تا.

وقت درباره فهم متن پیچیده آن بنماید. آیا نمی‌توان غامض‌نویسی و رمز‌نویسی سلف صالح را به علمی‌نویسی و منقح‌نویسی، تبدیل کرد؟ متاسفانه هنوز کتب درسی روان و با ویژگی‌های درسی، در حوزه نگارش نیافته و اگر نگارشی صورت گیرد، حجاب معاصرت، مانع از تدریس و بسط آن کتب بوده است.

البته مرکزی برای تهیه کتب درسی در مرکز مدیریت حوزه علمیه ایجاد شده است و آن مرکز کتاب‌هایی را تهیه و به چاپ رسانده است ولی همچنان وجه غالب تدریس، کتب قدیمی هستند.

در پایان، باید به این نکته اذعان کرد که حوزه‌های علمیه با وجود آغاز اصلاحات و تحول در آن نهاد، هنوز نتوانسته است اصلاحات لازم را برای پاسخگویی، رفع نیازها و ارائه الگوهای جدیدی متناسب با نیازهای جامعه امروز انجام دهد. جهان امروز با سرعت برق‌آسائی در حال تحول است و سرعت اصلاحات و تحولات در حوزه نسبت به این تحولات، بسیار کند بوده است. مسئله پول، بانک، بورس، رمز ارزها، و بسیاری از موضوعات دیگر همچنان منتظر پاسخ و الگو از متولیان حوزه هستند.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی